

۲۴ساله بود، از خدمت سربازی که برگشت با کودکی ۹ساله از اهالی روستا نامزد شد. ۶سال بعد به خانه بخت رفتند. جوان سیاه‌سوخته‌ای است لاغر که همه حواسش را داده به پیچ جاده که در هر خمش انبوه درختان سبز و باغ‌های پرپار نمایان است. آرام می‌راند. حالا ۳۱ساله است و پدر ۲ فرزند ۵ و یک‌ساله. عروس ۱۵ساله زود مادر شد و مرد جوان به یاد می‌آورد که چقدر از شکم‌درد به خود می‌پیچید. «دل‌دردش عصبی بود بیشتر. دکتر گفت رگ‌هاش ملتهب می‌شن و بچه تو شکمش ادیتش می‌کنه.»

راننده می‌گوید همه دختران روستا که در کودکی عروس می‌شوند، این درد‌ها را تجربه می‌کنند. در پسک‌سفلی کمتر دختری کلاس پنجم ابتدایی را تمام می‌کند و پا به مقطع راهنمایی و دبیرستان می‌گذارد. دهیار می‌گوید: «دختری که تا پنجم ابتدایی درس خوانده، انگار لیسانس گرفته.»

در آخرین پیچ جاده باغداران در کامیون‌ها آلبالو و گیلاس‌های گوشوارایی بار می‌زنند. کمی جلوتر میدان روستای پسک‌سفلی از توابع شهرستان خوی در استان آذربایجان‌غربی پیدا می‌شود. مسیر ۱۱ روستا از اینجا می‌گذرد. پسک مرکز دهستان است با ۲هزار و ۳۵۰ نفر (۷۵۰ خانوار) جمعیت. به گفته مرادلو، دهیار «روستا دارای مدرسه ابتدایی و راهنمایی است. مدرسه راهنمایی مختص پسران است، دختران به دلیل نبود مدرسه راهنمایی دخترانه در سن پایین به ازدواج ناخواسته تن می‌دهند و مدرسه را ترک می‌کنند. این باعث می‌شود خانواده‌ها درگیری و طلاق داشته باشند و به تبع آن فرزندان‌شان آواره شوند و اختلاف خانوادگی و تنش اجتماعی بیشتر شود.»

آمار رسمی وزارت آموزش و پرورش در سال ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که از ۲۱۶ دانش‌آموز پسک‌سفلی، ۹۶ دختر و ۱۲۰ پسر در مدرسه ابتدایی درس خوانده‌اند. در مدرسه راهنمایی هم فقط ۴۵ دانش‌آموز پسر درس خواندند. دانش‌آموز دختر راهنمایی و متوسطه هم ندارد.

طلاق کودکان روستا

پاکنهاد، مشاور و مدرس خانواده می‌گوید در این روستا زنان جوانی هستند که عروس و داماد و نوه ندارند. چند طلاق هم در سال‌های اخیر به ثبت رسیده. علت یکی از طلاق‌ها عروس‌بازی دختر در خانه شوهر بوده. «می‌گویند بچه صبح که بیدار می‌شود دنبال عروسکش می‌گشت، به همین خاطر طلاقش دادند.»

دخترک دیگری از شوهرش خواسته برایش پفک بخرد. درخواستی که هر روز در خانه پدرش داشت، اما این بار شروع یک دعوی خانوادگی و درنهایت طلاق بود.

همه پیش‌همایش آسیب‌های اجتماعی در پسک برگزار شد. رئیس اداره آموزش‌وپرورش شهرستان خوی به هم‌راه مشاور هسته مشاوره هم در این همایش حاضر شدند که به اولیا بگویند کودکان‌شان را به ازدواج ناخواسته مجبور نکنند.

مسجد روستا پر از مردهایی بود که به سخنران‌ها چشم دوخته و تسبیح می‌گرداندند. بعد از مسئول نیروی انتظامی، رئیس آموزش‌وپرورش و روحانی روستا نوبت به پروین پاکنهاد، مشاور و مدرس خانواده رسید.

پیش از این مشاوران مرد برای گفت‌وگو با اولیا رفته بودند اما این بار مدیر مدرسه خواهنش کرده بود یک مشاور زن به روستا بیاید. پاکنهاد پذیرفت که همراه هیأت مسئولان به روستا برود. اول از سخن گفتن امتناع کرد و گفت تا وقتی مادران در این جلسه نباشند، صحبت نمی‌کند. پنجره نمازخانه‌الا را نشان دادند که چندتن از آن سرک کشیده بودند.

پاکنهاد به روستاییان اعتراض کرد که چرا با وجود امکانات رفاهی مناسب در روستا، کمتر کسی به سوادآموزی کودکان‌ها علاقه دارد. «این همه کافی‌نت، قهوه‌خانه‌ها، ماهواره، چرا یک ده که روزنامه‌فروشی نیست، کسی کتاب و روزنامه برای خانه‌شان نمی‌خرد. چرا دختران را در کودکی مجبور به ازدواج می‌کنید.» مردها سر سر تکان می‌دادند که «حق داری.» اما در پایان همه گفتند تا وقتی مدرسه راهنمایی دخترانه ساخته نشود، کسی نمی‌تواند جلوی این روند را بگیرد.

برای پایان‌دادن به این ازدواج‌ها تصمیم بر این شد که اهالی ۵۰میلیون تومان جمع کنند تا خیری هم به کمک بیاید و باقی هزینه‌ها را بپردازد اما از بخت بد سال گذشته محصول روستاییان را سرما زد و فقط ۱۷میلیون تومان کمک مردمی جمع شد و دهیار هم این مبلغ را به روحانی روستا داد تا صرف توسعه خانه بهداشت روستا شود.

هیچ بعید نیست دختران خندانگی که در کوچه‌ها جست‌وخیز می‌کنند و خانه‌ها دهیار را نشان می‌دهند، سال دیگر در مدرسه نباشند. این رسم ۲۵،۲۰ ساله‌ای است که کسی نمی‌داند چطور در پسک باب شد. دهیار در راباز می‌کند و زن و ۲ کودک و گل‌های وحشی باغچه سلام می‌کنند. غروب است، در بهار خواب زیرانداز می‌اندازند و تا آسمان سیاه می‌شود، از مشکلات روستا می‌گویند. «این هم بدبختی ما است. بارها از مردم جاست‌وخیز می‌کنند و نتکنند. تبعاتش را انواع گفتیم. از مرکز بهداشت شهرستان آمدند و انواع بیماری‌ها را گفتند اما کسی گوشش به‌هکار نبود. دختران روستا واقعا تیزهوشند اما متأسفانه حمایت نمی‌شوند.»

رویا و باسین روی پله‌ها بازی می‌کنند. روزهای آخر رمضان است. از بلندگوی مسجد آواز رنای شجریان بلند می‌شود و لای سپیدارها می‌پیچد. اعتراض‌های دهیار تا امروز نتیجه نداد. «وقتی

ازدواج دختران ۷ تا ۱۱ساله در روستای پسک

عروسی خوبان

◀ ازدواج اجباری، دختران را مجبور به ترک تحصیل می‌کند

| نرنگس جودکی | روزنامه‌نگار



آمار از ازدواج و طلاق زیر سن قانونی*		
<small>(تاسف‌ناک: شمار پرونده‌های ۱۲ سال)</small>		
سال	ازدواج	طلاق
۸۶	۳۹۲۴	۶۳۵
۸۷	۳۸۹۸۰	۷۴۲
۸۸	۴۱۷۵۸	۸۸۶
۸۹	۴۴۹۰۹	۸۷۸
۹۰	۴۰۵۷۱	۹۲۸

نامزد می‌شوند. مراسم قدشکنتی با حضور روحانی روستا برگزار می‌شود. صیغه شرعی خوانده می‌شود و عروس و داماد ۲، ۳سال بعد زندگی مشترک را آغاز می‌کنند. این‌گونه است شاگرد بدبخت تا ما مدرسه بسازیم. از طرف دیگر روستاییان اختلاط دختر و پسر را قبول ندارند و خیلی حساس هستند که دختران بعد از کلاس سوم و چهارم باید جدا شوند. امسال فکر کنم حداکثر ۲نفر برای کلاس پنجم ثبت‌نام کردند و ما نمی‌دانیم چطور برای ۲نفر کلاس مجزا برگزار کنیم. متأسفانه ما همه‌جا نامه دادیم. دوران احمدی‌نژاد به رئیس‌جمهوری، به فرمانداری، مدیر آموزش ابتدایی و همه مسئولان نامه نوشتیم و آنها را در جریان گذاشتیم. در آخرین همایش پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی هم مشاور آمد و از نزدیک وضع را دید.» چه‌جا زود ازدواج می‌کنند و زود هم بچه‌دار می‌شوند. دهیار که متولد ۵۲است زیر بار ازدواج زودهنگام نرفت و همین باعث شد مشکلاتی در خانه داشته باشد. «من سنت‌شکنی کرده بودم. در خوی دیپلم گرفتم و به دانشگاه رفتم و ادبیات فارسی خواندم.»

وضعیت آموزش پسرها بهتر از دختران است اما کمتر کسی در این روستا دیپلم می‌گیرد و یک به دانشگاه می‌گذارد. می‌گوینداین روستا یک دختر دانشجوی پرستاری دارد اما همسایه‌ها او را نمی‌شناسند. یکی از زنان که در درگاه خانه‌اش ایستاده می‌گوید حتما کسی به خواستگاری‌اش نیامده. می‌گوید و در را می‌بندد. گفت‌وگو ناتمام می‌ماند. اهالی روستا، شهیندخت مولاوردی، معاون رئیس‌جمهوری را می‌شناسند که از اهالی شهرستان خوی است و در رشته حقوق درس خوانده. دهیار روستا بارها به آنها یادآوری کرده که «او همشهری ما است. از خانواده خیلی مرفهی هم نبوده. خودش خواسته و درس خوانده.»

روحانی روستا هم راضی نمی‌شود به مراسم قدشکنتی دختران زیر ۱۴سال خاتمه دهد. او بارها به مشاورانی که از خوی آمده‌اند و مسئولان مدرسه گفته تا وقتی مدرسه نیست و والدین می‌خواهند فرزندان‌شان ازدواج کنند، مراسم قدشکنتی برگزار می‌شود. مرادلو امیدوار است با ساخت مدرسه قضیه حل می‌شود: «شاید بشود با نسل آینده حرف زد.»

دختران پسک‌سفلی در سن ۷ تا ۱۱سالگی

یک پسر ۵ساله. خودش ۲۰ساله است. همه این طورند. بواش‌بواش باید این فرهنگ عوض شود. شاید اگر مدرسه بسازند کمی بهتر شود. دخترانی که راضی به ازدواج نشوند باید ۱۰کیلومتر بروند خوی و درس بخوانند.»

زن دهیار می‌گوید دختر کانی که زود مادر می‌شوند اغلب دچار بیماری‌اند. «دندان‌ها و موهایشان می‌ریزد، شکم‌شان درد می‌کند. خیلی زیاد هم مریض می‌شوند. بعضی در خانه شوهر عادت‌ماهیانه می‌شوند. لاغرند، بچه‌هایشان هم ضعیف‌است و قدشان کوتاه می‌ماند. دخترها معمولاً با مادر شوهر زندگی می‌کنند. چند ماه اول از آنها نگهداری و پذیرایی می‌شود اما بعد همه کارهای می‌افتد گردن آنها. روحیه‌شان خراب است و عصبی هستند. زود پیر می‌شوند.»

کودک‌مادران صبح زود روانه باغ‌های گیلاس و زردآلو می‌شوند و غروب با باری از خستگی به خانه بازمی‌گردند. شاید هیچ‌کدام گیلایی به گوش‌هایشان آویزان نکنند. شاید پادشان برود میان چینش میوه‌های نورس دان‌های به دهان بگذارند.

دختر دهیار شانه چسبیده به شانه مادر. مادر می‌گوید من نمی‌خواهم این‌دخترم زود ازدواج کند. دلم می‌خواهد پیشرفت کند و سرش به درس خواندن گرم باشد اما دخترهای این روستا خیلی زود درگیر مسائلی می‌شوند که برای کودکان مناسب نیست. «دخترم گاهی چیزهایی از صحبت‌های بچه‌ها می‌گوید که به‌نظر من مناسب این سن نیست. ۱۴ساله که بشوند به این فکر می‌کنند که چرا به خانه شوهر نرفته‌اند. غصه‌دار می‌شوند.»

دهیار می‌گوید بیشتر مشکلات به‌خاطر ددین سسریال‌های ترکیه‌ای از ماهواره است که موضوعات مناسبی ندارند. «تماشاگران این سریال‌ها مسائل منفی را برداشت می‌کنند، اگر سواد داشته باشند، این چیزهای منفی را نمی‌بینند.»

می‌گویند به جز پسک، ازدواج اجباری در سن پایین در روستاهای دیزج‌دیز و عذاب هم باب شده. عذاب همان روستایی است که قتل دختری به دست پدرش چند هفته پیش خبرساز شد. به گفته راننده جوان ازدواج کودکان پسک فقط در یک مقطع هم‌عاه متوقف شد. وقتی که حاجی قلی‌زاده، دادستان خوی در یکی از سخنرانی‌هایش تهدید کرد که هر کس کودک‌کش را مجبور به ازدواج کند، بازداشت می‌کند. «تا عماه خبری نبود اما بعد از این‌که او ترور شد باز هم این اتفاق افتاد.»

جوان می‌گوید: «چون تعداد پسرها اینجا بیشتر از دخترهاست، پسرها حتی اگر شده با دختری ۷ساله نامزد می‌کنند، چون ممکن است پسری برود خدمت و دختری پیدا نکند. رسم است که پسر وقتی زن می‌گیرد باید پیش خانواده داماد زندگی کنند، به خاطر همین چون از اختلاف می‌ترسند، هیچ وقت از خانواده غریبه زن نمی‌گیرند. وقتی هم پسری را خانواده‌ای بتناسند و با خانواده‌اش موافق هستند، دخترشان پنج‌ساله هم باشد، می‌دهند. همین که بداندن پسر زنش را کتک نمی‌زند و پدر و مادرش خوب هستند، کافی است.»

مرد دیگری از اهالی می‌گوید این‌جا مردم دوست ندارند غریبه‌ای وارد روستا شود و به واسطه این وصلت، زمین‌هایشان به دست غریبه‌هایبند.

دانش آموزان والدین: عوامل فرهنگی
سیما اصلانی، پژوهشگر و کارشناس مشاوره نخستین کسی بود که مسأله ازدواج کودکان در این روستا را بررسی کرد، آن هم در سال ۸۷-۸۶. موضوع پژوهش «علل ترک تحصیل دختران روستای پسک» است. اصلانی حالا پس از ۷سال و بعد از این پژوهش از ادامه این‌روند ازدواج کودکان باخبر است و با تاسف سر تکان می‌دهد. خاصی برای توقف آن انجام نشده.

اصلانی به جست‌وجوی این‌بوده که بداند از میان عوامل بازدارنده اقتصادی، فرهنگی و آموزشی کدام دلیل سبب ترک‌تحصیل دختران این روستا شده و چرا از بین ۵۹نفر دختر ثبت‌نامی در پایه اول ابتدایی فقط ۱۰نفر به پایه ۴ساله است که بعید نیست همین روزها ازدواج کند. «زن برادر خودم یک پسر ۱۰ساله دارد و

1400							
1200							
1000							
800							
600							
400							
200							
0							
سال							
	1386	1387	1388	1389	1390	1391	1392
دختران کمتر از ۱۰سال	0	1	2	1	1	1	2
دختران ۱۰تا۱۴سال	628	731	851	862	907	1077	1203

▲ نمودار: روند طلاق زنان در گروه سنی زیر ۱۴سال در ایران از سال ۱۳۸۶تا ۱۳۹۲

او با همه ۱۶۰نفر دانش‌آموز مدرسه دخترانه ابتدایی مصاحبه کرد، با اولیا و دانش‌آموزان حرف زد و به این نتیجه رسید که نخستین عامل بازدارنده عوامل فرهنگی و سپس عوامل آموزشی دلیل ترک‌تحصیل بوده. عوامل بازدارنده اقتصادی نقشی نداشته است. والدین و دانش‌آموزان در مورد دلیل ازدواج زوددرس در روستایشان چه فکر می‌کنند. دلایل در لابه‌لای خطوط و اعداد جدول‌های پژوهش اصلی عنوان شده. نظرات دانش‌آموزان و والدین هم در این مورد خیلی به هم نزدیک است. ۳۶درصد از دانش‌آموزان مدرسه در پاسخ، میزان ارتباط میان بین عوامل بازدارنده آموزشی و ترک‌تحصیل را خیلی زیاد دانستند، ۱۰،۵درصد زیاد و ۱۱درصد تا حدودی. والدین: ۳۳درصد خیلی زیاد، ۹درصد زیاد و ۱۱درصد تا حدودی.

در مورد رابطه عوامل فرهنگی و ترک‌تحصیل هم ۴،۵درصد از دانش‌آموزان پاسخ دادند خیلی زیاد، ۶درصد زیاد و ۱۰درصد تا حدودی. والدین: ۶۳درصد خیلی زیاد، ۹درصد زیاد و ۱۱درصد تا حدودی.

اولیا بر این باورند که عوامل بازدارنده فرهنگی از دست دادن فرصت‌های مناسب برای ازدواج، بهانه‌تراشی و ممانعت ریش‌سفیدان، مردسالاری و تبعیت خانواده‌ها از یکدیگر اسباب ترک تحصیل دانش‌آموزان دختر است. نیمی از دانش‌آموزان هم هیچ نقشی را به‌عنوان عامل بازدارنده اقتصادی (از جمله فقر خانواده و نیاز به کمک دختر یا نبود شغل مناسب) موثر ندانسته‌اند، اولیا هم همین‌طور.

دختران در گفت‌وگو با اصلانی به معرفی نشدن الگوی مناسب افراد تحصیل‌کرده از سوی مسئولان آموزشی و ندادن تذکر مسئولان آموزشی اشاره کرده‌اند. به گفته آنها مختلط بودن دانش‌آموزان پسر و دختر هم از دلایل است.

در بخش عوامل فرهنگی اشاره کرده‌اند به حاکمیت تفکر سنتی در مسورد بی‌فایده بودن تحصیل برای دختران، تأثیرپذیری والدین از یکدیگر و نداشتن آگاهی‌های مذهبی و علمی.

در این تحقیق مشخص شده والدین به دلیل ترس از دست‌دادن امکان ازدواج مناسب قبل از ۱۲سالگی دچار دستپاچگی شده و در ازدواج زودتر از موعد کودکان‌شان مصمم می‌شوند. بهانه‌تراشی و ممانعت ریش‌سفیدان هم بر وحشت اولیا افزوده و خانواده‌ها را در قیامت و تبعیت خانواده‌ها یکدیگر تشویق می‌کند.

آنها در سال ۸۷هم در جلسات مشاوره گروهی اداره آموزش‌وپرورش و هسته مشاوره برای از بین بردن فرهنگ زودرس اشتیاق نشان داده و از اجبار کودکان به ترک تحصیل اظهار ندامت هم کرده‌اند اما این داستان همچنان ادامه پیدا کرد و میوه‌های نورس را پیش از بارور شدن چیدن. در پژوهش اصلی به مشکلات جسمی و عاطفی هم اشاره شده، مسائلی که والدین در به‌وجود آمدنش مقصر بودند اما خود دیگر قادر به کنترل آن نیستند.

اصلانی که خود از زنان تحصیل‌کرده شهرستان خوی است، اظهار نگرانی می‌کند که با انتشار این پژوهش و گزارش به چهره فرهنگی شهرستان خوی خدشه وارد نیاید. او حضور مولاوردی را در هیأت دولت یادآوری می‌کند و امیدوار است ازدواج زود هنگام دختران پسک روزی متوقف شود.

همسران کودکان، مادران کودک

اغلب دختران روستا با پسرای ۱۰سال بزرگتر از خود ازدواج می‌کنند. پدیده «همسران کودک» به جز این‌که خود یک مسأله اجتماعی است، مسأله دیگری را هم نشان می‌دهد: «تعداد «مادران کودک» با ۶/۵برابر فزونی نسبت به خردسال و کودک در سنین ۱۸-۱۰سالگی، عمدتا (۵۸درصد) همسر مردانی شده‌اند که در سنین بالای ۱۸سال قرار دارند و فقط ۵درصد از این کودکان با کودکان هم‌سن‌وسال یا هم‌نسل خود ازدواج کرده‌اند.»

همسر کودکان خیلی زود تبدیل می‌شوند به مادر کودکان و این آغاز چالش سلامتی‌شان است. پس از سیستان‌و بولجستان، استان‌های خراسان‌رضوی و خوزستان با ۱۵۸مورد، آذربایجان شرقی ۹۹مورد، آذربایجان غربی ۹۰مورد و کرمان با ۸۷مورد به ترتیب بیشترین آمار تولد نوزاد از مادران کم‌سن را در ۶ماهه نخست سال ۹۳دارند.

کودکان می‌توانند خانواده‌ای سالم، کرامت و با کارکرد مثبت بنا کنند؟ ثریا عزیزپناه، عضو انجمن حمایت از حقوق کودکان می‌گوید، نه. «اگر کودک دچار آسیب‌هایی همچون تجربه زودهنگام جنسی، بارداری و زایمان زودهنگام یا تحمل خشونت از طرف همسر یا افراد خانواده وی شود، به‌طور قطع این موضوع منتهی به آسیب‌های جدی می‌شود که براساس آن ممکن است: کودک‌همسر یا کودک‌مادر به خود یا دیگران آسیب‌های جدی وارد کند و این آسیب‌ها می‌تواند به سطح جامعه تسری یابد.» اقتصاددانان آموزش‌وپرورش هم معتقدند که سرمایه‌گذاری در آموزش دختران، پربازده‌ترین سرمایه‌گذاری در جهان درحال توسعه است. اما اهالی پسک این نظر را باور ندارند و بهبود وضع کودکان و خانواده را در ازدواج زودهنگام می‌بینند. آلبالوها بر شاخه، زیر نور چراغ‌ها برق می‌زنند. راننده جوان به خود یا دیگران آسیب‌های جدی وارد نیش ترمزی می‌زند و می‌پرسد: «شاید اگر مدرسه درست کنند، مشکل حل شود.»

◀ منبع جدول و نمودار: کتاب حلقه، نگاهی به ازدواج کودکان در ایران، رایحه مطظریان